



The Educational Miracle in the Verse of Reza'ah from the Viewpoint of Mustafa Rajab and Its Criticism*

Amir Mahdizadeh ¹

Abdullah Emadi ²

Abstract

The miracle of the Quran has various dimensions, one of the most important of which is the scientific miracle. The educational miracle is one of the types of a scientific miracle. Mustafa Rajab is one of the researchers who has claimed an educational miracle about the Reza'ah verse (Baqarah/233). The purpose of the research is to criticize the educational miracle in the verse of Reza'ah from the point of view of Mustafa Rajab. The research method is descriptive-analytical in terms of data collection and analysis. In this way, to extract the exact definition of miracles and approaches, as well as the claim of educational miracles in Reza'ah verse, related scientific texts and lexical books have been referred and the obtained data have been analyzed. The findings of the research were that there are three approaches to the educational miracle, and the "propositional miracle" is one of the approaches in which the claim of Rajab's miracle is placed. He claimed miracles about this verse in four ways. First, in choosing the words "wald" and "walidah"; Second, in the selection of the word "la tuzarru"; thirdly, in divorce and inclusion of damages and fourth, in observing the principle of peace in marriage and family education. Criticisms of Rajab's claim include the use of non-massive recitations to prove the miracle of education, the acceptance of the lexical wonder of the verse, as well as the age-old rules of parent-child relationships without the existence of a miracle, the literary miracle based on the assumption of the existence of a miracle, lack of independence and the subordination of the miracle of education, the confusion of the basis of the educational miracle in the whole Quran with the claim of permission in two verses. The result is that although Rajab's claim of four cases about the verse was not accepted; but about the establishment of educational and legal principles of parent-child relations, miracles can be put forward.

Keywords: Quran, Educational Sciences, Scientific Miracle, Educational Miracle, Mustafa Rajab.

*. **Date of receiving:** 16 March 2022, **Date of approval:** 02 May 2022.

1. Ph.D. Candidate, [Corresponding Author]; (amirmahdizadeh@yahoo.com).

2. Assistant Professor, Faculty Member of Applied Ethics Department of the Quran and Hadith Research Institute; (emadi8889@gmail.com).



اعجاز تربیتی در آیه رضاع از دیدگاه مصطفی رجب و نقد آن*

امیر مهدی زاده^۱ و عبدالله عمادی^۲

چکیده

اعجاز قرآن از ابعاد گوناگونی برخوردار است که یکی از مهم‌ترین آنها اعجاز علمی است. اعجاز تربیتی، یکی از انواع اعجاز علمی به شمار می‌آید. مصطفی رجب یکی از پژوهشگرانی است که درباره آیه رضاعه (بقره/۲۳۳) ادعای اعجاز تربیتی کرده است. هدف پژوهش، نقد اعجاز تربیتی در آیه رضاعه از دیدگاه مصطفی رجب است. روش پژوهش به لحاظ جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها توصیفی - تحلیلی است. بدین صورت که برای استخراج تعریف دقیق اعجاز و رویکردها و نیز ادعای اعجاز تربیتی در آیه رضاعه، به متون علمی مرتبط و کتاب‌های لغت مراجعه و داده‌های به‌دست‌آمده تجزیه و تحلیل شده‌اند. یافته‌های پژوهش این بود که اعجاز تربیتی سه رویکرد دارد که «اعجاز گزاره‌ای» یکی از رویکردهایی است که ادعای اعجاز رجب در آن جای می‌گیرد. وی درباره این آیه از چهار جهت ادعای اعجاز کرده است. اول در انتخاب واژه‌های ولد و والده؛ دوم در گزینش واژه لاتنصار؛ سوم در اطلاق و شمول اضرار و چهارم، مراعات اصل آرامش در ازدواج و تربیت خانوادگی. نقدهایی که بر ادعای رجب وارد است عبارتند از: استفاده از قرائت غیر متواتر برای اثبات اعجاز تربیتی، پذیرش شگفت‌انگیزی واژگانی آیه و نیز پی‌ریزی قوانین روابط والدین و کودک بدون وجود اعجاز، اعجاز ادبی بودن بر فرض وجود اعجاز، عدم استقلال و تبعی بودن اعجاز تربیتی، خلط مبنایی اعجاز تربیتی بودن کل قرآن با ادعای اجاز در دو آیه. نتیجه آنکه گرچه ادعای موارد چهارگانه رجب درباره آیه، مورد پذیرش واقع نشد؛ اما درباره پی‌ریزی اصول تربیتی و حقوقی روابط والدین و کودک می‌توان اعجاز را مطرح کرد.

واژگان کلیدی: قرآن، علوم تربیتی، اعجاز علمی، اعجاز تربیتی، مصطفی رجب.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۲/۱۲.

۱. دانش‌آموخته دکتری [نویسنده مسئول]: (amirmahdizeh@yahoo.com).

۲. استادیار عضو گروه اخلاق کاربردی پژوهشگاه قرآن و حدیث: (emadi8889@gmail.com).



الف. مقدمه

اعجاز تربیتی قرآن به جهاتی از ابعاد زیادی قابل کاوش است. از سویی آن که بعد تربیتی از وسعت و گستردگی موضوعی گوناگونی در زمینه‌هایی نظیر فردی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی، اقتصادی و... برخوردار است. از دیگر سو توجه به رسالت اصلی قرآن کریم است که خود را کتاب سعادت و هدایت معرفی نموده است و اصلی‌ترین وظیفه خود را تربیت و هدایت برشمرده است. این نوع از اعجاز با وجود اهمیت و ضرورت آن، از دید بسیاری از پژوهشگران مغفول مانده است. مصطفی رجب یکی از پژوهشگرانی است که درباره آیه رضاعه (بقره/۲۳۳) و آیاتی از سوره مریم ادعای اعجاز نموده است که در این پژوهش بر آنیم تا با بیان دیدگاه وی درباره اعجاز تربیتی آیه رضاعه به بررسی و نقد ابعاد آن پردازیم.

۱. پیشینه

هرچند درباره اعجاز علمی قرآن کتاب‌های بسیاری به رشته تحریر درآمده، پیشینه آن به قرن چهاردهم بر می‌گردد (رضایی اصفهانی، علوم قرآنی ۲، ۱۳۹۶: ۱۲). به موضوع اعجاز تربیتی در مقاله‌ها و کتاب‌هایی پرداخته شده است که تلاش می‌گردد که به ترتیب تاریخ نگارش از آنها یاد شود تا خواننده از سیر تاریخی آن نیز آگاه گردد. اعجاز تربیتی قرآن به عنوان یکی از ابعاد اعجاز علمی از مسائل جدید در عرصه اعجاز قرآن می‌باشد که مصطفی رجب (۲۰۰۶) در قرن پانزدهم آن را پایه‌گذاری کرد (رضایی اصفهانی، علوم قرآنی ۲، ۱۳۹۶: ۱۹۱). وی در کتاب Who is Who که شخصیت‌های نخبه جهان را درج می‌کنند در سال ۲۰۰۰ نام وی جزء نخبگان درج شده است.

وی اولین اثر خود را در سال ۲۰۰۶ م با عنوان «الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم» را منتشر کرد. رجب را می‌توان نخستین کسی دانست که این نوع از اعجاز را مطرح کرده است (رضایی اصفهانی، علوم قرآنی ۲، ۱۳۹۶: ۱۹۱). با استقبال از کتاب اول رجب، کتاب دومش را با عنوان «البحث فی الاعجاز التربوی للقرآن الکریم» درباره اعجاز تربیتی قرآن کریم در سال ۲۰۰۹ م. منتشر کرد (رجب، البحث فی الاعجاز التربوی القرآنی، ۲۰۰۹: ۲۰).

اثر دیگری که در زمینه اعجاز تربیتی به طور مجزا به بیان مطالبی در این باره پرداخته، کتابی با عنوان «الاعجاز النفسی و تربوی فی القرآن الکریم و السنة المطهرة» است که توسط دکتر عبدالرحمن العیسوی در سال ۲۰۰۸ م منتشر شد. یکسال بعد از انتشار کتاب عیسوی در سال ۲۰۰۹ م زنی با نام فوزیه شحاده احمد البراوی پایان نامه ارشد خود را با عنوان «الاعجاز التربوی للقرآن الکریم فی طرق التدریس» در دانشگاه اسلامی غزه تدوین کرد. چند سال بعد کتاب دیگری با عنوان «الاعجاز التربوی

فی القرآن الکریم و السنة النبویة» توسط دکتر احمد عبده عوض در سال ۲۰۱۲ م. تالیف و منتشر گردیده است. همچنین مقاله‌ای توسط دکتر عبدالحلیم عویس با عنوان «الاعجاز التاریخی و الادبی و التربوی فی سوره یوسف» در مصر نوشته شده است.

در ایران نیز پژوهش‌هایی در قالب مقاله، کتاب و پایان نامه صورت پذیرفته است. پژوهشی در قالب مقاله علمی- ترویجی با عنوان «بررسی اعجاز تربیتی قرآن» با تلاش محمد علی رضایی اصفهانی در مجله قرآن و علم در سال ۱۳۹۰ ش منتشر شد. در همان سال خالد عطایی پایان نامه‌ی خود را که متشکل از سه فصل است، با عنوان «اعجاز تربیتی قرآن کریم» در دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم تهران دفاع نموده است. ۴ سال بعد در سال ۱۳۹۴ پایان نامه‌ای با عنوان الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم توسط احمد ازرقی در سطح رساله دکترا و در شهر قم به رشته تحریر درآمد. این پایان نامه به جنبه‌های اعجاز تربیتی در قرآن کریم و بیان مبانی نظری آن به خوبی و به تفصیل پرداخته است. یک سال بعد علی همت بناری و میثم ناظمی نیز در مقاله‌ای به بررسی و تحلیل پژوهش‌های اعجاز تربیتی پرداختند که در سال ۱۳۹۵ ش در مجله قرآن و علم انتشار یافت.

با بررسی پژوهش‌های انجام شده با این وجود پژوهش‌ها از چند جهت دچار نقص هستند. اول آن که در بسیاری از پژوهش‌ها خلط مفاهیم اصطلاحی و لغوی اعجاز صورت گرفته است. دوم آن که پژوهش‌های اعجاز تربیتی بسیار کلی و بدون مبنا و رویکرد خاصی انجام گردیده است و همین امر بسیاری از پژوهش‌ها را با ابهام روبرو کرده است. سوم آن که پژوهش‌هایی که حتی به صورت مستقل به اعجاز تربیتی درباره آیه رضاعه پرداخته‌اند، به بررسی مختصر و ناکافی آن بسنده کرده‌اند. چهارم آن که هیچ یک از پژوهش‌ها به بررسی تاریخی عصر نزول قرآن و ما قبل آن نپرداخته‌اند و حال آن که برای اثبات اعجاز تربیتی نیازمند جدی این بررسی هستیم. بنابراین کاری که این مقاله عهده‌دار آن است، برای نخستین بار در حال انجام است تا بتواند از این رهگذر نقص‌های گفته شده را از پژوهش‌های پیشین برطرف کند.

۲. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر کیفی است و برای جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش «توصیفی- تحلیلی» استفاده شده؛ چرا که این پژوهش از جهتی در حوزه علوم اسلامی قرار دارد برای استخراج تعریف دقیق اعجاز و رویکردها و نیز ادعای اعجاز تربیتی در آیه رضاعه، به متون علمی و تفسیری قرآنی مرتبط و کتاب‌های لغت مراجعه شده است و اطلاعات به‌دست‌آمده با روش توصیفی- تحلیلی به صورت مستدل یا مستدل تجزیه و تحلیل شده‌اند.



روش توصیفی - تحلیلی مستلزم دو عملیات است:

۱. فهم گزاره‌های اصلی پژوهش؛

۲. تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده.

همچنین از روش توصیفی - تحلیلی در مطالعه متون علمی مرتبط و نیز ترکیب یافته‌ها و تبیین آن به صورت تحلیل مفهومی و نظری بهره جسته‌ایم.

ب. مفهوم‌شناسی

۱. اعجاز

تعریف لغوی

در قرآن مجید «عج‌ز» ۲۲ بار آمده است که در بیشتر موارد معنای ناتوان و عاجز بودن و ناتوان و درمانده گردانیدن را به خود به همراه دارد. إعجاز، مصدر باب افعال از ماده «عج‌ز» است که کتاب‌های لغت چند معنا برای آن ذکر کرده‌اند: ۱. ضعف و ناتوانی (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۸/۵۷؛ جوهری، الصحاح، ۱۳۷۶ ق: ۵/۸۷۶؛ فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۱۰: ۲۱۳/۱)؛ ۲. تأخیر (راغب، المفردات، ۱۴۲۶: ۵۴۶/۲؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۲۰: ۴/۲۴۲)؛ ۳. پایان و تتمه چیزی (جوهری، الصحاح، ۱۴۰۴: ۳/۸۸۳؛ ابن فارس، معجم المقاییس اللغة، ۱۴۲۰: ۴/۲۳۳؛ راغب، مفردات، ۱۴۱۲: ۵۵۳/۲)؛ ۴. از دست رفتن چیزی (طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۸۷: ۴/۱۳۶).

پس از مرور و تأمل شایسته در معناهای بالا، می‌توان معنای اساسی و عمده ماده عجز را همان «ضعف» دانست و سایر معانی را به این معنا باز گرداند؛ چراکه بقیه معانی، یا دلیل و علت ضعف و یا برآیند و ثمره ضعف قلمداد می‌شوند.

تعریف اصطلاحی

اصطلاح‌شناسی تفصیلی از رسالت این مقاله بیرون است و به دنبال تطویل در این باره نیستیم؛ اما تعریف‌های متفاوتی از معجزه ارائه شده است که برخی از مهمترین آنها در ذیل می‌آید:

به نظر شیخ طوسی معجزه مسیر شناخت راستگویی و صدق پیامبر است. پس باید به دست او معجزه‌ای ظاهر شود و آن عبارت است از ثبوت چیزی که متعارف نباشد و یا نفی چیزی که متعارف باشد، البته در این میان دو شرط خرق عادت و مطابق ادعا را باید با خود داشته باشد (حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ۱۳۹۹: ۳۴۰). علامه طباطبائی، معجزه را امری خارج عادت می‌داند

که نشان‌گر تصرف ماورای طبیعت و امور مادی است. البته بدیهی است که معجزه نباید باطل‌کننده امور عقلی و ضروری باشد (طباطبایی، اعجاز قرآن، ۱۳۶۲: ۲۱۱) آیت‌الله معرفت معتقد است که معجزه: «به هر چیز خارق‌العاده‌ای که مقارن با تحدی و مبارز طلبی است و به سلامت معارضه عبور کند (معرف، تلخیص التمهید، ۱۳۸۰ ش: ۲/ ۲۵).

استاد رضایی اصفهانی تعریفی ارائه می‌کند که در حقیقت اصلاح و تکمیل تعاریف گوناگون است. ایشان می‌نویسد: «معجزه (آیه، بینه و برهان) عبارت است از چیزی (کار، سخن یا شیء) که این ویژگی‌ها و عناصر را داشته باشد: الف. خارق عادت باشد؛ یعنی قوانین عادی طبیعت را نقض کند. ب. از مدعی منصب الهی و پس از ادعای آن واقع شود. پس اگر چیز خارق عادت، قبل از ادعای نبوت واقع شده باشد، نمی‌تواند دلیل ادعای نبوت باشد؛ ج. همراه با تحدی و مبارزه طلبی باشد؛ د. مغلوب واقع نشود و دیگران از آوردن مثل آن عاجز باشند؛ ه. برای اثبات اموری باشد که غیرممکن نباشد (رضایی اصفهانی، اعجاز در علوم طبیعی و انسانی، ۱۳۹۲: ۲۸).

۲. اعجاز تربیتی

اعجاز تربیتی قرآن دارای سه روی‌آورد متصور (نه لزوماً موجود) در اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم انسانی است که به اساس هر روی‌آورد در اعجاز علمی، یک تعریف نیز در اعجاز تربیتی به وجود خواهد آمد: یکم. گزاره‌های قرآنی که بر اخبار غیبی تربیتی دلالت دارند (اعجاز گزاره‌ای)؛ در این رویکرد به بررسی اعجاز در گزاره‌های قرآنی بسنده می‌شود؛ به این معنا که با بیان بعضی آیات و بررسی و کاوش درباره نکات و اشارات جالب و شگفت‌آور آن در زمینه مسائل تربیتی، ادعای اعجاز می‌گردد، البته در اینجا خاطر نشان می‌شود که تعداد زیادی از گزاره‌های قرآنی جالب و شگفت‌انگیزند؛ اما تنها زمانی می‌توانیم ادعای اعجاز تربیتی در آیات و گزاره‌های قرآنی داشته باشیم که اثبات شود قبل از قرآن بیان نشده است که به نظر اثبات این ادعا در تمام موردها بسیار صعب و مشکل است.

دوم. استخراج و برداشت نظام تربیتی از قرآن (اعجاز نظام‌واره)؛ زمانی می‌توان ادعای اعجاز نظام‌واره‌ای را با در نظر گرفتن قوانین مقبول اعجاز مطرح ساخت که نظام تربیتی مستخرج و مستنبط از قرآن با نگاه همه جانبه و مجموعی به کل آیات و استقرای کامل موضوعات تربیتی مطرح شده باشد.

سوم. اعجاز تحوّل‌آور و منقلب‌کننده (اعجاز تحوّل‌ی): قرآن کریم تنها کتابی است که با واقعیت ماورائی خود در قالب متنی مقدس، توانایی دارد که تا در زمان بسیار کمی به طور خارق‌العاده‌ای به نحو همه‌جانبه و عمیق، تحول و انقلاب تربیتی در آدمی ایجاد نماید و جامعه اسلامی صدر اسلام به خصوص جامعه عصر پیامبر در زمان حیات ایشان نمونه‌ی بارز آن است (همان: ۴۱۸).



گرچه سه رویکرد متصور است؛ اما در بین این سه رویکرد اعجاز گزاره‌ای به نظر به واقعیت نزدیک‌تر و امکان وقوعی آن بیشتر است. ضمن آنکه با اصطلاح اعجاز تربیتی هم سازگار است. درباره اعجاز نظام‌واره‌ای باید گفت که به نظر از دایره معنایی اعجاز به دلیل پراکندگی مباحث در کل قرآن مقبول نیست؛ زیرا فردی از بشر هم می‌تواند در موضوعاتی مطالب پراکنده‌ای داشته باشد و فرد دیگری آن را به نظام در آورد و در واقع این نظام‌واره بودن توسط کسی دیگر ایجاد شده نه نویسنده اول. اگر برتری هم به حساب آید، برای نویسنده دوم است که نظام را کشف نموده است. اعجاز تحوّل در زمره کارکرد قرآن است نه رویکردی در اعجاز تربیتی. به هر روی در صورت تحول فرد یا جامعه توسط قرآن، اعجاز به وجود نخواهد آمد؛ زیرا این تنها قرآن نیست که می‌تواند تحول‌آفرین باشد.

ج. اعجاز تربیتی قرآن در آیه رضاعه

﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْفِصَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَزِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (بقره/۲۳۳)؛ «و مادران بایستی دو سال کامل فرزندان خود را شیر دهند، البته آن کسی که خواهد فرزند را شیر تمام دهد؛ و به عهده صاحب فرزند است (یعنی پدر) که خوراک و لباس مادر را به حد متعارف بدهد، هیچ کس را تکلیف جز به اندازه طاقت نکنند، نه مادر باید در نگهداری فرزند به زحمت و زیان افتد و نه پدر بیش از حد متعارف برای کودک متضرر شود. و اگر کودک را پدر نبود وارث باید در نگهداری او به حد متعارف قیام کند. و اگر پدر و مادر به رضایت و مصلحت دید یکدیگر بخواهند فرزند را از شیر بگیرند هر دو را رواست و اگر خواهید که برای فرزندان دایه بگیرید آن هم روا باشد در صورتی که دایه را حقوقی به متعارف بدهید. و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به کردار شما بیناست».

در ذیل این آیه مصطفی رجب ادعای اعجاز خود را از چهار جهت در آیه مورد اشاره بالا مطرح می‌سازد (رجب، الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم، ۲۰۰۶: ۱۷۹)؛ که در سطور ذیل به وجوه مطرح شده از سوی ایشان پرداخته می‌شود.

۱. گزینش واژه‌های ولد و والده

استفاده و بهره بردن قرآن از واژه «ولده» و «ولدها» در این آیه شریفه، در کنار واژه‌های مشابه مانند طفل، ابن و بنت و رضیعه و همچنین بهره‌جستن و به کارگیری واژه «والده» در عوض «أم» و «مرضعه» نوعی اعجاز در مبحث تربیت است. وی برای اثبات ادعای خود این گونه استدلال می‌کند

که این تعبیر برانگیختگی عاطفی والدین را در پی داشته و در حقیقت هنگامی که در بیان قوانین روابط والدین و کودک (که اساساً قانون روح خشک و غیر عاطفی دارد) می‌گوید «فرزندش»، پدر و مادر را برمی‌انگیزاند تا به فرزند خود زبانی نرسانند.

۲. اعجاز در به کارگیری واژه «لاتضار»

مصطفی رجب متعرض سه قرائت از قرائت‌های آیه ۲۳۳ بقره به شرح ذیل می‌گردد:

اول. قرائت عاصم، حمزه و کسائی: «لاتضار» که «لا» در آن ناهیه است، شایان ذکر است که در این صورت فعل معلوم یا مجهول معنا می‌گردد (لاتضار-لاتضار). دوم. قرائت ابن عمرو، ابن کثیر و یعقوب: «لاتضار» که در این صورت «لا» در آیه لای نفی است و از مواردی که خبر به معنای انشاء آمده است، قلمداد می‌گردد. سوم. قرائت ابو جعفر مدنی: لاتضار که «لا» در آیه لای ناهیه محسوب می‌شود و متضمن نهی است نه نفی.

مصطفی رجب قرائت دوم را برمی‌گزیند و بر پایه آن از دو جنبه ادعای اعجاز تربیتی در آیه را مطرح می‌کند: جهت اول آن که وی معتقد است که به سبب نافی بودن «لا» خبر ابلغ در نهی خواهد بود و در نتیجه تأثیر آن در بازداري انسان از ضرر رساندن به فرزندش بسیار بیشتر است؛ زیرا زمانی که به کسی گفته شود: «شما به فرزندت زیان نمی‌رسانی»، تأثیر آن بیشتر از این است که بگوییم: «شما نباید به فرزندت زیان برسانی». لذا جرأت مخالفت از مرتبی را از وی می‌ستانند. دومین جهت در دلالت فعل مضارع بر حال و آینده نهفته است. در توضیح آن باید گفت که ضرر رساندن در حال و آینده با اراده و اختیار والد و والده محقق می‌شود و بر اساس رفتارشان ثواب و عقاب مترتب می‌گردد. بنابراین تو گویی که خدای متعال از رفتاری نهی کرده است که به نحوی ضروری و ضمنی دربردارنده هشدار به عقاب بوده و این به معنای منتهای اعجاز در برانگیختگی اراده بشری و سوق دادن و تلاش برای به فعلیت رساندن آن توسط والدین است (همان: ۱۷۷).

۳. در نظر گرفتن آرامش و تکامل در ازدواج و تربیت به عنوان دو اصل اساسی

ازدواج و خانواده دارای اصول چندگانه است که محبت و تکامل، از اساسی‌ترین اصول آن به شمار می‌آیند که در این آیه به خوبی به این دو اصل پرداخته شد است و نشان‌گر آن است که تعطیلی این دو اصل به وسیله هرکسی مساوی با مخالفت و ناسازگاری با اراده الهی است که خود نوعی اضرار و افساد است و علاوه بر آن سبب ضرر به جامعه نیز می‌شود؛ زیرا ناراحتی روانی نسل کنونی، در آینده بی‌شک بر جامعه اثر می‌گذارد (همان: ۱۷۸).



۴. اعجاز در شمول «اضرار»

همان طور که پیداست آیه درباره ضرر رساندن به کودک در موضوع شیردهی و اجرت آن است؛ اما قرآن با به کارگیری و گزینش واژه «لاتضار» در رساندن مقصود خود، پا را فراتر از موضوع و مصداق آیه گذارده و ضرررسانی را مطلق اشاره کرده است و این خود سبب گردیده است تا تمامی انواع ضرر را که از جمله آن ضرر جسمی، روحی، روانی، مالی و... است، دربرگیرد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که این شیوه بیان ضرر به صورت ایجاز و اطلاق اعجاز است.

بررسی و نقد

توجه به این آیه از سوی دکتر رجب و به طور کلی مطرح کردن بعد تربیتی اعجاز، بسی خلاقانه و نوآورانه است که قبل از ایشان کسی به آن توجه نکرده است. البته عدم تعرض بزرگان علوم قرآنی شاید به این دلیل بوده است که قرآن خود را در جای جای آیات و سُور برای هدایت (بقره/۲؛ رعد / ۷؛ انسان/۳؛ اسراء/۹) و فرستاده خود را تزکیه کننده و تربیت گر (بقره/۱۲۹؛ بقره/۱۵۱؛ آل عمران/۱۶۴؛ جمعه/۲) معرفی کرده است و این امر سبب عدم بیان وجه تربیتی اعجاز به طور مستقل شده است. شاید دلیل دیگر نیز این باشد که محدود کردن اعجاز تربیتی به چند آیه برای کتاب مقدسی که خود را کتاب هدایت و تربیت می داند، به نوعی خلاف غرض و هدف اصلی قرآن باشد.

مطالب ضروری درباره آیه

۱. آیات قبل مربوط به طلاق و جدایی زن و شوهر از یکدیگر بود، لازم است تکلیف کودکان و نوزادان نیز روشن شود، تا آنان فدای اختلافات پدر و مادر نشوند (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۹۰: ۳۵۲/۱)؛

۲. اضافه ولد یک مرتبه به پدر، یک مرتبه به مادر، جهت اشفاق والدین بر فرزند است و توجه بر آنکه سزاوار آن است که هر دو مشفق شوند. در استصلاح فرزند و شفقت بر او، جایز نیست که ضرر رسانند به او و یا به سبب او از یکدیگر متضرر شوند (بحرانی، تفسیر البرهان، ۱۴۱۵: ۳۲۹/۱)؛

۳. اینکه چرا به جای «والد» کلمه (مولود له- آن کس که فرزند برای او متولد شده) را به کار برده! برای اینکه بوده که به حکمت حکمی را که تشریع کرده اشاره کرده باشد؛ یعنی بفهماند پدر به علت اینکه فرزند برای او متولد می شود و در بیشتر احکام زندگیش ملحق به اوست، ناگزیر مصالح زندگی و لوازم تربیت و از آن جمله خوراک و پوشاک و نفقه، مادری که او را شیر می دهد به عهده او است و اینکه هم بعهد مادر او است که پدر فرزند را ضرر نزند و آزار نکند، برای اینکه فرزند برای پدرش متولد شده است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۶ ش: ۳۶۰/۲)؛

۴. شیردهی در دو سال اول زندگی کودک جزء حقوق مخصوص به مادر محسوب می‌شود. شاید این سوال در ذهن شکل بگیرد که چرا با وجود آن که سرپرستی کودک بر عهده پدر است؛ اما شیردهی جزء حقوق مادر به حساب می‌آید؟ در پاسخ باید گفت که به این دلیل که تغذیه نوزاد با شیر در این زمان با جسم و روح و عواطف مادر پیوندی ناگسستنی دارد، حق نگهداری و سرپرستی به مادر محول گردیده است؛ و این نشان‌گر مراعات خداوند در خصوص عواطف مادر و حال کودک است.
۵. آسودگی و آرامش مادر در دوران شیردهی به قدری مهم و با ارزش است که نه تنها هزینه زندگی مادر از نظر غذا و لباس در این دوران بر عهده پدر نوزاد است؛ بلکه حتی اگر زن طلاق نیز گرفته باشد و یا بعد از مرگ پدر، وارثان او باید نیازهای مادر را در دورانی که به کودک شیر می‌دهد، تأمین کنند.
۶. در این آیه اصل مشورت و رضایت درباره شیرگیری کودک به خوبی بیان شده است و والدین را موظف به هم‌فکری و توافق می‌کند، گرچه زمان از شیرگرفتن کودک، به تصمیم پدر و مادر بستگی دارد. این زمان با توجه به وضعیت جسمانی کودک و با هم‌فکری و توافق پدر و مادر تعیین می‌گردد.
۷. هرگز نمی‌توان از حق شیر دادن و سرپرستی مادر جلوگیری کرد، مگر این که خودش امتناع ورزد یا مانعی برایش پیش آید که در این صورت می‌توان نگهداری و شیر دادن کودک را به دایه مناسبی واگذار کرد یا قسمتی از شیر دادن را به عهده دایه گذاشت تا کمکی برای مادر باشد. البته هنگامی می‌توان زن دیگری را به جای مادر برای شیر دادن انتخاب کرد که حقوق مادر نسبت به گذشته و آن چه شیر داده است، طبق عرف و عادت پرداخت گردد.
۸. از لحاظ اقتصادی نباید به پدر فشار زیادی وارد آید؛ زیرا این موضوع زیر چتر یک اصل اساسی در احکام اسلامی قرار می‌گیرد و آن اصل بیان‌گر تکلیف انسان‌ها بر اساس قدرت و به اندازه توانایی آنهاست. لذا هیچ قانونی در اسلام وجود ندارد که کاری بیش از حد توان شخص از او بخواهد.
۹. به‌کارگیری واژه «معروف» در آیه فوق نشان‌گر آن است که پوشاک و تغذیه مادر باید به میزان متعارف و شایسته حال وی تأمین گردد. به این معنا که نه سخت‌گیری صورت بگیرد و نه اسراف در میان باشد. باز به کارگیری واژه معروف در آیه، به شایستگی، به دو مؤلفه عرف و زمان در شاخص‌های حقوق خانواده اشاره دارد.
۱۰. پرداخت حقوق مادر و دایه در برابر شیردهی ضروری و لازم است و این موضوع نمایان‌گری نیکو و زیبا در رعایت حقوق زن در اسلام است.
۱۱. به‌طور کلی این آیه یکی از جلوه‌های جامعیت احکام اسلام را به رخ جهانیان کشیده است و متذکر می‌گردد که اسلام برای همه مراحل زندگی انسان برنامه ریزی نموده است؛ اما همان‌طور که در



صدر بحث گذشت، اعجاز علمی قرآن دارای شرایط و ضوابطی است هر کسی که ادعا می‌کند، ضروری است که بر این ملاک‌ها تطبیق یابد. به نظر می‌رسد وجوه چهارگانه که دکتر مصطفی رجب در آنها ادعای اعجاز تربیتی کرده است، شرایط لازم را به دلایل ذیل ندارند:

یکم. برای اثبات اعجاز قرآن نمی‌توان از قرائت غیر متواتر بهره جست. باید به این نکته توجه داشت که در قرائت، اصل بر قرائت متواتر مسلمانان است که نسل به نسل از پیامبر ﷺ به صورت متواتر منقول است؛ اما قرائت‌های دیگر خبرهای واحدی هستند که اثبات قرآن بودن به وسیله آنها بسیار صعب و مشکل و به تعبیری ناممکن و ترجیح مرجوح بر راجح خواهد بود. پس بناگذاری اعجاز قرآن بر پایه قرائت‌های دیگر خطا و غیرقابل پذیرش است و لذا قرائت‌های ابن عمرو و ابن کثیر در «لاتنضار» و «لا» نافیه دانستن آیه نیز از این موضوع استثنا نبوده و قابل قبول نیست.

دوم. بر فرض پذیرش قرائت غیر معروف رجب، مطالب بیان شده، به نوعی شگفت‌آور است که در اعجاز ادبی جای می‌گیرد نه در اعجاز تربیتی. توضیح آنکه استفاده از مباحث الفاظ، بلاغت و فصاحت در هر موضوعی (روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و...) جای دارد. گاهی قرآن از کودک، مادر و پدر سخن به میان می‌آورد و گاه از مسائلی نظیر خانواده، اجتماع، اقتصاد و ... اگر بنا باشد که ما از اصول لفظی (بلاغت و فصاحت) برای این موضوعات استفاده کنیم، در واقع ادعای اعجاز ادبی در موضوعات گوناگون کرده‌ایم و این از موضوع یعنی اعجاز تربیتی و به طور کل، از بحث اعجاز علمی خارج است.

سوم. هر چند به کارگیری و انتخاب واژگانی مانند «بولده»، «بولدها»، «والده»، ایجاز و اطلاق «ضرر» و رعایت اصل آرامش در ازدواج و خانواده به شایستگی جالب و شگفت‌انگیزند و در نوع خود توجه به این جنبه‌ها و نکات از سوی این پژوهشگر عرصه علوم قرآنی نیز قابل تقدیر و تحسین است؛ اما برای اینکه این به کارگیری در حد اعجاز باشد باید اثبات شود که استفاده از این واژگان قبل از قرآن مسبوق به هیچ نوع سابقه‌ای نبوده است یا کسی نمی‌تواند مثل آنها را در سخنان و نوشته‌های خود به کار ببرد که این کار بسیار بعید به نظر می‌رسد. بنابراین اعجاز قرآن در این موارد تاکنون قابل اثبات نیست.

چهار. به طور کلی رجب در سه مورد از موارد ادعا شده چهارگانه (اطلاق اضرار، گزینش واژگانی ولد و والده و انتخاب واژه لاتنضار) از اصول لفظی بهره برده است که بر فرض اثبات آن به این دلیل که ایجاز، اطلاق و بحث قرائت از اصول لفظی است، در ذیل اعجاز ادبی قرار می‌گیرد نه اعجاز تربیتی؛ زیرا اعجاز تربیتی یا در حوزه اعجاز تحولی معنا دارد که در این سه مورد نیاز به اثبات دارد و ربطی هم

به اصول لفظی ندارد یا اعجاز نظام واره است که در این آیه شریفه اثبات نظام واره نیز کاری بس سخت و مشکلی است که رجب نیز هیچ متعرض آن نشده است. همچنین اگر متعرض می شد باید همه آیات را در این زمینه بررسی می نمود و یا اعجاز گزاره ای است که گرچه همه آیات شگفت انگیز است؛ اما باید رجب اثبات کند که پیش از اسلام این گزاره وجود نداشته است و این ابتکار اسلام است که البته اثبات آن بسیار دشوار است و بر فرض اثبات آن اعجاز ادبی با موضوع تربیتی است.

پنجم. رجب قبل از ورود به بحث اعجاز تربیتی باید به این موضوع که چرا تاکنون کسی به این نوع اعجاز نپرداخته است، پاسخ دهد؛ زیرا به نظر می رسد که اعجاز تربیتی مورد نظر رجب نوعی از اعجاز ادبی تبعی باشد؛ به این معنا که به تبع اعجاز ادبی در هر آیه ای می توان ادعای اعجاز تربیتی (با توجه به معرفی خود قرآن که خود را هدایت، تزکیه و تربیت معرفی کرده) کرد.

ششم. رجب در اعجاز تربیتی دچار خلط و اشتباه شده است. وی در مقدمه کتابش می نویسد: «ایمان عمیق دارم که قرآن کریم کتاب هدایت و ارشاد است پس وجهی که از همه وجوه سزاوار به بحث است، بحث از اعجاز روان شناختی و تربیتی است که از آن غفلت شده است» (رجب، الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم، ۲۰۰۶: ۲). این مقدمه نشانگر آن است که ایشان کل قرآن را اعجاز تربیتی می داند و حال آنکه از این موضوع در کلام بزرگان و دانشمندان علوم قرآن و مفسران به هیچ عنوان غفلت نشده است، ولی در کتاب خود تنها در دو آیه ادعای اعجاز می کند.

د. اعجاز تربیتی آیه رضاعه از نظر نگارنده

آنچه مصطفی رجب درباره این آیه ادعا کرده، به دلایل پیش گفته مورد تأیید نیست؛ اما موردی که رجب در هیچ بحثی از مباحث ادعایی خود به آن نپرداخته است، پی ریزی اصول تربیتی و حقوقی روابط والدین و کودک و نیز ارزش نهادن بر زن و به مشورت گرفتن او در اسلام است که از نوآوری-هایی است که مجموع این آیه به درستی اشاره کرده و به خوبی از عهده بیان آن برآمده است. بدین سبب ممکن است کسی در مورد آیه ۲۳۳ بقره بگوید که این آیه با این ابتکار، اصول تربیتی و حقوقی کودک را در جهان پایه گذاری کرده است. بنابراین به نوعی اعجاز تشریعی قرآن در زمینه تربیت به حساب می آید. در این باره باید گفت که یکی از شرایط لازم برای اثبات اعجاز، آن است که از نظر تاریخی ثابت شود که حقوق کودک و والدین به صورت فوق قبل از اسلام مطرح نبوده اند و برای اولین بار توسط این آیه مطرح می گردد (رضایی اصفهانی، اعجاز در علوم طبیعی و انسانی، ۱۳۹۲: ۴۱). در سطور ذیل به بررسی شواهد در این باره می پردازیم. قبل از بیان شواهد بر عدم وجود اصول تربیتی و حقوقی روابط والدین و کودک به چند اصل تربیتی مهم مورد توجه آیه اشاره خواهد شد.



اصول تربیتی هشت‌گانه مورد اشاره آیه

نکاتی در این آیه وجود دارد که شگفت‌انگیز و به‌ویژه برای مردم عصر نزول منشور تربیت کودک با اصول مهمّه است که در ذیل به آن اشاره می‌گردد:

۱. اصل مشورت والدین در امور کودک با یکدیگر؛
 ۲. اصل زیان نرساندن به کودک؛
 ۳. اصل رضایت پدر و مادر در مسائل خانوادگی؛
 ۴. اصل عدم اجبار در تکالیف؛
 ۵. اصل عاطفه محوری پدر و مادر در امور فرزند (با تعابیری مانند: بولده، مولودله و والده)؛
 ۶. اصل رعایت عواطف مادر در علاقه به سرپرستی کودک؛
 ۷. اصل آرامش و رفع فشار روانی در خانواده؛
 ۸. اصل تلاش حداکثری جهت ایجاد رضایت طرفینی در بیان شیوه‌های رفع اختلاف؛
 ۹. اصل کنترل، نظارت و مدیریت تغذیه کودک توسط والدین به ویژه در دوران نوزادی.
- عصر جاهلیت که اختصاص به دوره قبل اسلام دارد، از نظر تاریخی به دوره فترت قبل از ظهور اسلام، محدود است (آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ۱۵: ۱/۱۵)؛ البته برخی آن را از نظر زمانی به دوران ما بین ۲۰۰ تا ۱۵۰ سال قبل از اسلام محدود کرده‌اند (جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ۱۴۱۳ ق: ۷۳/۱). در ذیل به چند نمونه از شواهدی که نشان‌گر پی‌ریزی قوانین و اصول تربیتی و حقوقی روابط والدین و کودک در اسلام است، اشاره می‌گردد:
۱. طبق دانش تخصصی موجود امروزی در عرصه پزشکی و روان‌شناختی شیر مادر در دو سال اول تأثیر شگرفی بر رشد و ارتقای سلامت قوای جسمی و روانی نوزاد دارد. کامل‌ترین و بهترین غذا برای کودک شمرده می‌شود (حیدری و همکاران، بررسی تطبیقی اهمیت شیر مادر از دیدگاه قرآن و دانش پزشکی، ۱۳۹۳). حال آنکه اعراب، شیر زن حامله را برای کودک مضر می‌دانستند و در زمان حاملگی به نوزاد شیر نمی‌دادند. ابوبکر هذلی درباره مبرا بودن تَابَطُ شَرًّا از چنین شیری سخن گفته است (ابن قتیبه، الشعر و الشعراء، ۱۴۱۴ ق: ۲/ ۶۷۰). قرآن در این باره در آیه رضاعه به این موضوع مهم توجه داشته و حتی آن قدر آن را مهم دانسته که برای او حق اخذ اجرت را تشریح نموده است. شیر مادر در رشد و تکوین کودک، تا جایی اهمیت دارد که اگر شیردهی نوزاد توسط شخص دیگری صورت بگیرد، این ارتباط دو طرفه موجب نشر حرمت از طریق رضاعت میان نوزاد و فرد شیر دهنده می‌گردد (نساء/۲۳).

۲. یکی از اصول مورد اشاره آیه اصل مشورت والدین در امور کودک با یکدیگر است. مشورت در اعراب جاهلی با زنان بسیار زشت و ناپسند تلقی می شده است. ضرب المثل «رأى النساء» برای بیان سستی نظر زنان، (ثعالبی، جواهرالحسان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۸: ۲۴) و عبارت منسوب به پیامبر «شاوروهن و خالفوهن» با زنان مشورت کنید؛ اما در عمل با نظراتشان مخالفت کنید، برای بیان عدم اعتماد به نظر زنان به کار می رفت (جوادی علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ۱۴۱۳ ق: ۶۱۸/۴). وضعیت زنان در جاهلیت عموماً همراه با تحقیر و نابرابری با مردان بوده است (معموری و خوش سخن، بررسی تاریخی جایگاه زن در جاهلیت و قرآن با توجه به آیه ضرب، ۱۳۸۹). در عصر جاهلیت تنبیه زنان در هنگام مخالفت از امور عادی به شمار می رفت. حدیث زیر، وضعیت تنبیه بدنی زنان، توسط شوهر را به خوبی نشان می دهد: أسماء بنت ابی بکر گفت: من زن چهارم بودم که زیر عوّام مرا به زنی گرفت، چون بر یکی از ایشان خشمگین می شد، او را با چوب مشجب می زد، تا جایی که چوب می شکست» (ابوالفتح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۸: ۳۴۸/۵). اعراب جاهلی معتقد بودند که به زن هیچ ارث، مهریه و صدیقی تعلق نمی گیرد و در بین زنان خود به عدالت رفتار نمی کردند (جوادی علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ۱۴۱۳ ق: ۵۴۶/۵). در جاهلیت، زن را مظهر مکر و نیرنگ قلمداد می کردند و عقیده داشتند زن نظیر شیطان به دنبال فریب دادن مردان است تا جایی که زنان را در مکر، به مار تشبیه می کردند (زبیدی، تاج العروس، ۱۴۱۴: ۴۶۷/۱). همچنین ضرب المثل «کید النساء» نشان از حيله گر دانستن زنان دارد (ثعالبی، جواهرالحسان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۸: ۴۵۸). حتی زن حق هیچ گونه مشارکتی در نام گذاری فرزند خود را نداشت. برای نمونه، وقتی عمرو بن هجر از ام ایاس دختر عوف بن محلم شیبانی خواستگاری کرد، عوف شرط قبول این ازدواج را آن دانست که حق نامگذاری فرزندان پسر دخترش و حق شوهر دادن فرزندان دختر دخترش از آن او باشد؛ ولی عمرو به این کار راضی نشد و گفت: ما پسرانمان را به اسم پدران و عموهایمان نام گذاری می کنیم (اندلسی، العقد الفرید، بی تا: ۸۶/۶). در چنین شرایطی قرآن برای زن حق اخذ اجرت در شیردهی، مهریه، مشورت در امور فرزندان، برابری زن و مرد (آل عمران/۱۹۵) و بسیاری از حقوق را قائل شده است. این موضوع با توجه به نظر تاریخ نویسان عصر جاهلیت که در بالا از آن ها نقل شده است، نشان گر اعجاز نه تنها در اصل مشورت والدین در امور کودک با یکدیگر، بلکه اعجاز در پی ریزی اصول تربیتی نظیر اصل تلاش حداکثری جهت ایجاد رضایت طرفینی در بیان شیوه های رفع اختلاف؛ اصل کنترل، نظارت و مدیریت تغذیه کودک توسط والدین به ویژه در دوران نوزادی، اصل زیان نرساندن و عدم اضرار به کودک، اصل رضایت زن و مرد در مسائل خانوادگی، اصل عدم اجبار در تکالیف است که قبل از بیان این آیه مطرح نبوده است.



۳. به طور کل مشاغل زنان به عنوان مادران آینده در هر جامعه می تواند نشان گر خوبی از وجود اصول تربیتی به طور کلی باشد. زنان در این دوره به مشاغلی نظیر مشاغل خانگی (پخت نان، نظافت، اصلاح خیمه، فرزندانآوری، نگهداری دام، شیر دوشی، تهیه آب و...)، تجارت، قابلیت و برخی صنایع دستی مثل اسلحه سازی و کفایت و نوحه گری می پرداختند (کحاله، اعلام النساء ۱۳۷۹: ۱/ ۲۵۴؛ ابن اثیر، بلوغ الارب، ۱۴۲۰: ۳/ ۲۸۳). همچنین از زنان به عنوان ابزار جنگ روانی در تهییج، تحریک و مقاومت سپاهیان خودی با سرودن اشعار و دف زدن استفاده می کردند (بشیر یموت، شاعرات العرب فی الجاهلیه و الاسلام، ۱۴۱۳ ق: ۲۴). همه اینها نشان گر آن است که زنان جامعه عرب عصر جاهلیت از اصولی تربیتی بیان شده در آیه رضاعه استفاده نمی کردند. در دوران جاهلیت تقریباً در هیچ کتابی اصل تربیتی صریح و روشنی بیان نشده است، ولی با توجه به شناخت اجمالی نسبت به اوضاع اجتماعی - سیاسی عربستان می توان این گونه برداشت کرد که هیچ گونه مسئله تربیت و تعلیم وجود نداشت و در آن هنگام موضوع تربیت و تعلیم یک مسئله پراکنده بود که جای بحثی در این زمینه وجود ندارد. تقریباً همه فرزندان بیابان بی سواد بودند (حیدر نیا و شادمان، بررسی تاریخی وضعیت اجتماعی زنان در جزیره العرب تا سال ۶۰۰ میلادی، ۱۳۹۲). پیکار برای بقا در این محیط نامهربان چنان شدید بود که همه نیروی شان صرف بر آوردن نیازهای مادی زندگی می شد و فرصتی باقی نمی ماند که بر اساس اصولی به تربیت بپردازند.

۴. شعر و سروده هم به عنوان یکی از تجلّی گاه های مهم فرهنگ یک جامعه به ویژه جامعه عرب است و محتوای اشعار می تواند مضامین تربیتی عالی یا سافل جامعه را به رخ بکشد. در جامعه جاهلی شمار افراد با سواد بسیار اندک بوده و عرب جاهلی از علم و میراث مکتوب، محروم بود (احمد امین، جوانب من تاریخ و الحضاره العرب فی العصور القدیمة، ۱۹۵۵: ۲۷). شمار آشنایان به خواندن و نوشتن در قریش را هنگام بعثت نبوی، هفده نفر گفته اند (بلاذری، فتوح البلدان، ۱۳۶۷: ۴۵۷)؛ و تنها میراث فرهنگی جاهلیت را شعر تشکیل می داد که در آن به حق ممتاز بودند (پورجوادی و شریف، تاریخ فلسفه در اسلام، ۱۳۹۱: ۱۷۱). در تاریخ یعقوبی آمده است که محتوای اشعار عرب را تفاخر به قبیله و گذشتگان، تمسخر و هجو رقیب، یاد جنگ های قبیله و خاطرات آن و معاشقه با محبوب تشکیل می داده است (یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ۱۴۲۵: ۱/ ۲۶۲) و از حکمت، معنویت و تربیت تهی بود (جوادی علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ۱۴۱۳ ق: ۹/ ۱۱۸). چه برسد به بیان اصول تربیتی که جایگاهی چندانی ندارد.

۵. وضع اجتماعی جامعه بازتابی از اصول تربیتی آن جامعه است که می‌توان با آن به قضاوت درباره مردمان آن جامعه نشست. درباره فرهنگ عرب جاهلی و چگونگی وضع اجتماعی آنان مطالب زیادی در کتاب‌های مختلف نوشته شده است. در اینجا سخنی از علی علیه السلام که آن وضع را توصیف می‌کند، می‌آوریم؛ زیرا با وجود اختصار گویاترین توصیف در این باره است: خداوند پیغمبر اسلام را فرستاد تا جهانیان را از راه و رسمی که در پیش گرفته‌اند بیم دهد و او را امین دستوره‌های آسمانی خود قرار داد؛ زیرا در آن روز شما ملت عرب، پست‌ترین کیش‌ها را داشتید (که شرک و بت‌پرستی بود) و در بدترین سرزمین‌ها زندگی می‌کردید و در میان سنگ‌های خشن و مارهای پر زهری که از صدا نمی‌رمیدند می‌خوابیدید، از آب تیره می‌نوشیدید، غذای سبوس‌دار و هسته خرما می‌خوردید و خون یکدیگر را می‌ریختید، از خویشان دوری می‌کردید و آنچنان زندگی می‌کردید که گناهان دست و پای شما را بسته بود (شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۳۸۱، خطبه ۲۶). وضع توصیف شده از زبان علی علیه السلام، ما را به این موضوع رهنمون می‌سازد که اصول تربیتی که در آیه رضاعه بیان شده، هیچ‌گاه مسئله اعراب عصر جاهلیت نبوده است و برای نخستین بار توسط قرآن مطرح شده است و آیاتی نظیر آیه رضاعه درصدد پر کردن این خلأهای تربیتی است.

علاوه بر آن در آن روز نه تنها جامعه عرب زندگی و تمدنی نداشت؛ بلکه همه دنیا را ظلم و فساد فرا گرفته بود. علی علیه السلام وضع اسف‌بار آن روز جهان را چنین خلاصه می‌کند: خداوند پیغمبر خویش را فرستاد در آن وقتی که از مدت‌ها پیش پیامبری نیامده بود، ملت‌ها در خوابی طولانی به سر می‌بردند. سر رشته کارها از هم گسیخته، آتش جنگ همه‌جا شعله‌ور و دنیا را تاریکی جهل و گناه تیره ساخته بود. فریبکاری آشکار و برگ‌های درخت زندگی بشر به زردی می‌گرایید و از آن امید ثمری نبود. آب‌ها فرورفته، فروغ هدایت خاموش و پرچم‌های هلاکت آشکار... ترس‌ها دل مردم را فرا گرفته بود و مردم پناهگاهی جز شمشیر خون آشام نداشتند و...» (همان). همه اینها مؤید این است که در جهان پر از جنگ و جدال و شمشیر و زور، تربیت و اصول تربیت مرده بوده و این پیامبر صلی الله علیه و آله بود که آنها را با اصول تربیت صحیح که نوید بخش زندگی خوب است، آشنا کرده است لذا از دغدغه‌های اصلی کتابی که وی با آن نازل شد، هدایت و تربیت انسان است (بقره/۲؛ نحل/۸۹؛ کهف/۲).



نتیجه

اعجاز تربیتی قرآن کریم، سبب ایجاد تحوّل تربیتی فردی و اجتماعی است به نحوی که سایرین از آوردن نظیر این نوع از تربیت با این ویژگی‌های خاص عاجز باشند. موضوع اعجاز تربیتی قرآن کریم با ویژگی‌های منحصر به فردی که دارد از جایگاه مهم و ارزشمندی در مباحث قرآن و تربیت برخوردار است. اعجاز تربیتی قرآن یکی از ابعاد اعجاز علمی قرآن است که با سه رویکرد می‌تواند طرح گردد. نخست از جهت استخراج نظام تربیتی قرآن (با توجه به مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها، عوامل و موانع تربیتی مطرح شده در قرآن)؛ دوم، نقش تربیتی قرآن در ایجاد تحول و انقلاب مسلمانان که نمونه‌ای از آن در تأثیر موسیقای قرآن جلوه‌گر است؛ و سوم، گزاره‌های تربیتی قرآن که با بررسی بینش تربیتی موجود در قرآن کریم صورت می‌گیرد که نمونه‌ای از آن ادعای اعجاز تربیتی مصطفی رجب درباره آیه رضاءه (وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ...) است. وی درباره این آیه از چهار جهت ادعای اعجاز کرده است: اول، در انتخاب واژه‌های ولد و والده؛ دوم، در گزینش واژه لاتنصار؛ سوم، اطلاق و شمول اضرار و چهارم، مراعات اصل آرامش در ازدواج و تربیت خانوادگی.

در بررسی و نقد ادعای اعجاز این آیه می‌توان گفت. گرچه رجب در این ادعای پیشتازانه و مبتکرانه قابل تحسین است؛ اما بحث وی دچار خلط بین بحث اعجاز تربیتی کل قرآن و آیه رضاءه است. همچنین در تعبیر ولد و والده و لاتنصار و اطلاق اضرار نمی‌توانیم در عین شگفتی ادعای اعجاز کنیم، مگر آنکه پیش از آن اثبات کنیم که این تعبیرات از قبل از اسلام وجود نداشته است. همچنین برای اثبات اعجاز قرآن نمی‌توان از قرائت غیر متواتر بهره جست و در بحث قرائت، اصل بر قرائت متواتر مسلمانان است. بنابراین تبیین اعجاز قرآن بر پایه قرائت‌های غیر متواتر (قرائت‌های ابن عمرو و ابن کثیر در «لاتنصار» و «لا» نافیه دانستن آیه) خطا و غیر قابل پذیرش است. هر چند بر فرض پذیرش قرائت غیر معروف رجب، مطالب بیان شده، به نوعی شگفت‌آور است نه اعجاز. نقد دیگر آن که گزینش واژگانی مانند «بولده»، «بولدها»، «والده»، «ایجاز و اطلاق» «ضرر» و رعایت اصل آرامش در ازدواج و خانواده به شایستگی شگفت‌انگیزند، ولی برای اثبات اعجاز باید اثبات گردد که استفاده از این واژگان قبل از قرآن مسبوق به هیچ نوع سابقه‌ای نبوده است که امری بسیار سخت و نیازمند پژوهش‌های دقیق است. نقدی دیگری که به سه مورد ادعایی رجب از موارد ادعا شده چهارگانه (اطلاق اضرار، گزینش واژگانی ولد و والده و انتخاب واژه لاتنصار)، مربوط است، بهره‌گیری وی از اصول لفظی است. بر فرض بعید و بسیار سخت و مشکل اثبات این سه مورد اعجاز، در ذیل اعجاز ادبی قرار می‌گیرد نه اعجاز تربیتی که برای آن دو کتاب تألیف نموده است.

گرچه ادعای موارد چهارگانه رجب درباره آیه، مورد پذیرش واقع نشد؛ اما موردی که می‌توان این اعجاز را مطرح کرد. درباره پی‌ریزی اصول تربیتی و حقوقی روابط والدین و کودک و نیز ارزش نهادن بر زن و به مشورت گرفتن او در اسلام است که به نوعی اعجاز تشریعی قرآن در زمینه تربیت به حساب می‌آید. از نظر تاریخی شواهدی برای اثبات اعجاز که نشان‌گر آن است که به صورت فوق، قبل از اسلام مطرح نبوده است، وجود دارد. در اینجا چند شاهد بیان شد: یکی آنکه از نظر دانش پزشکی و روان‌شناختی شیر مادر در دو سال نخست تأثیر بر رشد جسمی و روانی نوزاد دارد و این در حالی است که اعراب، شیر زن حامله را برای کودک مضر می‌دانستند و در زمان حاملگی به نوزاد شیر نمی‌دادند. قرآن در این باره در آیه رضاعه به این موضوع مهم توجه داشته و از مادران خواسته که دوسال کامل به نوزاد خود شیر دهند. دیگر آنکه یکی از اصول مورد اشاره آیه اصل مشورت والدین در امور کودک با یکدیگر است. مشورت در اعراب جاهلی با زنان بسیار زشت و ناپسند تلقی می‌شده است. وضعیت زنان در جاهلیت عموماً همراه با تحقیر و نابرابری با مردان در زمینه‌های گوناگون نظیر عدم تعلق ارث و مهریه، عدم حق نامگذاری فرزندان و ... بوده است (معموری و خوش‌سخن، بررسی تاریخی جایگاه زن در جاهلیت و قرآن با توجه به آیه ضرب، ۱۳۸۹). تنبیه زنان در عصر جاهلیت در هنگام مخالفت معمول بوده است. زنان را در مکر، به مار تشبیه می‌کردند. در چنین شرایطی قرآن برای زن حق اخذ اجرت در شیردهی، مهریه، مشورت در امور فرزندان، برابری زن و مرد (آل‌عمران/۱۹۵) و بسیاری از حقوق را قائل شده است. این موضوع نشان‌گر اعجاز، نه تنها در اصل مشورت والدین در امور کودک با یکدیگر، بلکه اعجاز در پی‌ریزی اصول تربیتی نظیر اصل تلاش حداکثری جهت ایجاد رضایت طرفینی در بیان شیوه‌های رفع اختلاف و اصل رضایت زن و مرد در مسائل خانوادگی است. همچنین از مشاغل مادران و بی‌سوادی‌شان، کیفیت و محتوای اشعار و وضع اجتماعی عرب عصر جاهلیت نیز می‌توان به عنوان شواهدی بر اثبات اعجاز در این آیه استفاده کرد.

با این حال این موضوع هنوز در آغاز راه است و این پژوهش طلیعه و دریچه‌ای برای پژوهش‌های بعدی است و برای واکاوی بیشتر و دقیق‌تر نیازمند پژوهش‌های بیشتری در زمینه اعجاز تربیتی به‌طور کل هستیم.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: احمد فولادوند، انتشارات میراث ادبی، قم: ۱۳۹۰ ش.
۲. آلوسی، محمود، بلوغ الارب فی معرفة أحوال العرب، دارالکتب العلمیة، بیروت: ۱۴۲۰ ق.
۳. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیة، بیروت: ۱۴۱۵ ق.
۴. ابن فارس، أبوالحسن أحمد، معجم مقاییس اللغة، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، بیروت: ۱۴۲۰ ق.
۵. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، الشعر و الشعراء، تحقیق: حسن تمیم، دار احیاء العلوم، بیروت: چاپ پنجم، ۱۴۱۴ ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۷. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، نشر دنیای کتاب، تهران: ۱۳۹۰ ه. ش.
۸. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، مشهد: ۱۴۰۸ ق.
۹. احمد امین سلیم، جوانب من تاریخ و الحضارة العرب فی العصور القدیمة، دار العرفه، الاسکندریه: ۱۹۹۵ م.
۱۰. ازرقی، احمد، الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم (حقیقته و تطبیقاته)، جامعة المصطفی العالمية، قم: ۱۳۹۴ ش.
۱۱. اندلسی، احمد بن محمد بن عبد ربه، العقد الفرید، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، دارالکتاب العربی، بیروت: بی تا.
۱۲. بحرانی، سیدهاشم، تفسیر البرهان، نشر موسسه الاعلمی، قم: ۱۴۱۵.
۱۳. البراوی، فوزیه شحاده احمد، الاعجاز التربوی للقرآن الکریم فی طرق التدیس، دانشکده اصول دین دانشگاه اسلامی، غزه: ۲۰۰۹ م.
۱۴. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، نشر نقره، تهران: ۱۳۶۷.
۱۵. بناری، علی همّت؛ ناظمی، میثم، «بررسی و تحلیل پژوهش های اعجاز تربیتی»، مجله قرآن و علم، شماره ۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ ش.
۱۶. پورجوادی، نصرالله؛ شریف، میان محمد، تاریخ فلسفه در اسلام، مرکز نشر دانشگاهی، تهران: ۱۳۹۱.
۱۷. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهرالحسان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۱۸ ق.

۱۸. الجوهري، اسماعيل بن حماد، الصحاح «تاج اللغة و صحاح العربية»، دار العلم للملايين، بيروت: ۱۳۷۶ ق.
۱۹. حكيم، سيد محمد باقر، علوم القرآن، نشر مجمع الفكر الاسلامي، قم: ۱۴۱۷.
۲۰. حلي، حسن بن يوسف، كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد، تعليقات: سيد ابراهيم موسوي زنجاني، موسسه اعلمي، قم: ۱۳۹۹ هـ. ق.
۲۱. حيدرنيا، محسن، شادمان، مسعود، «بررسی تاریخی وضعیت اجتماعی زنان در جزیره العرب تا سال ۶۰۰ میلادی»، فصلنامه مسکویه، ش ۲۷، ۱۳۹۲.
۲۲. حیدری، محمدصادق؛ یدالله پور، محمدهادی؛ حسینی، زینب السادات؛ بصیرت، زهرا، بررسی تطبیقی اهمیت شیر مادر از دیدگاه قرآن و دانش پزشکی، اسلام و سلامت، ۱(۳)، ۶۹-۷۷، ۱۳۹۳.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دار العلم، بیروت: ۱۴۱۲ ق.
۲۴. رجب، مصطفی، الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم، جدارا للکتاب العالمی للنشر و التوزیع، عمان: ۲۰۰۶ م.
۲۵. رجب، مصطفی، البحث فی الاعجاز التربوی القرآنی، العلم و الايمان للنشر و التوزیع، دسوق: چاپ دوم، ۲۰۰۹ م.
۲۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی، بررسی اعجاز تربیتی قرآن، قم: مجله قرآن و علم، شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ ش.
۲۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی، اعجاز در علوم طبیعی و انسانی، جامعه المصطفی العالمیه، قم: ۱۳۹۲ ش.
۲۸. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، دارالفکر، بیروت: ۱۴۱۴ ق.
۲۹. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نشر الهادی، قم: ۱۳۸۱.
۳۰. طباطبائی، سید محمدحسین، اعجاز قرآن، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، قم: ۱۳۶۲ ش.
۳۱. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، تهران: ۱۳۹۶ ش.
۳۲. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم: ۱۳۸۷ ش.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳.



۳۴. عطایی، خالد، اعجاز تربیتی قرآن کریم، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران: ۱۳۹۰ ش.
 ۳۵. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، نشر جامعه، بغداد: ۱۴۱۳ ق.
 ۳۶. عوض، احمد عبده، الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم و السنة النبویه، قاهره: ۲۰۱۲ م.
 ۳۷. العیسوی، عبدالرحمان، الاعجاز التربوی و النفسی فی القرآن و السنه المطهره، بیروت: ۲۰۰۸ م.
 ۳۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، انتشارات هجرت، قم: ۱۴۱۰ ق.
 ۳۹. قرائتی، محسن، تفسیر نور، نشر مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، تهران: ۱۳۷۴.
 ۴۰. کحاله، عمر رضا، اعلام النساء: فی عالمی العرب و الاسلام، نشر الهاشمی، دمشق: ۱۳۷۹.
 ۴۱. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، نشر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم: ۱۳۸۳.
 ۴۲. معرفت، محمدهادی، تلخیص التمهید، نشر موسسه تمهید، قم: ۱۳۸۰ ه.ش.
 ۴۳. معموری، علی؛ خوش سخن مظفر، زهرا، «بررسی تاریخی جایگاه زن در جاهلیت و قرآن با توجه به آیه ضرب»، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، سال اول، شماره ۶، بهار ۱۳۸۹.
 ۴۴. یعقوبی، احمد بن ابویعقوب، تاریخ یعقوبی، نشر دارصادر، بیروت: ۱۴۲۵ ق.
 ۴۵. یموت، بشیر، شاعرات العرب فی الجاهلیه و الاسلام، المکتبه الاهلیه، بیروت: ۱۴۱۳ ق.
46. <https://en.wikipedia.org>

Resources:

1. The Holy Quran, Translated by Ahmad Foladvand, Literary Heritage Publications, Qom: 2011.
2. Abul Futuh Razi, Hossein bin Ali, Rawz al-Jinan and Ruh al-Jinan in Tafsir al-Quran, Astan Quds Razavi Research Foundation, Mashhad: 1408 AH.
3. Ahmad Amin Salim, My Aspects of Arab History and Civilization in Ancient Ages, Dar al-A'rafah, Alexandria: 1995.
4. Al-Baravi, Fawziyah Shehadeh Ahmad, Educational Miracle of the Holy Quran for Teaching, Faculty of Principles of Religion, Islamic University, Gaza: 2009.
5. Ali, Javad, Detail History Arab before Islam, University Press, Baghdad: 1413 AH.
6. Al-I'sawi, Abdurrahman, The Educational and Psychological Miracle in the Quran and Sunnah, Beirut: 2008.
7. Al-Jawhari, Ismail bin Hammad, Sahaha "Taj al-Lughah and Sihah al-Arabiyyah", Dar al-Elm Lilmalayin, Beirut: 1376 AH.
8. Alusi, Mahmoud, Reaching The Lord in Knowing the Conditions of the Arabs, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: 1420 AH.
9. Alusi, Mahmoud, Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azeem, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: 1415 AH.
10. Andalui, Ahmad bin Muhammad bin Abd Rabbah, Al-Aqd al-Farid, Research: Omar Abdus Salam Tadmuri, Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut: n.d.
11. Ataei, Khalid, The Educational Miracle of the Holy Quran, University of Holy Quran Sciences and Education, Tehran: 2011.
12. Awaz, Ahmad Abdo, Educational Miracle in the Holy *Quran and Prophet's* Conduct, Cairo: 2012.
13. Azraqi, Ahmad, Educational Miracle in the Holy Quran (Its Reality and Its Implications), Al-Mustafa International University, Qom: 2015.
14. Bahrani, Seyed Hashim, Tafsir al-Burhan, Al-A'lami Institute Publishing, Qom: 1415.
15. Banari, Ali Hammat; Nazimi, Maysham, "Research and Analysis of Educational Miracles", Quran and Science Journal, Number 19, Fall and Winter 2016.
16. Belazari, Ahmad bin Yahya, Futuh al-Baldan, Noqreh Publications, Tehran: 1988.
17. Farahidi, Khalil bin Ahmad, Al-Ayn, Hijrat Publications, Qom: 1410 AH.



18. Hakim, Seyyed Muhammad Baqir, *Ulum al-Quran (Quranic Sciences)*, Majma' al-Fikr al-Islami Publication, Qom: 1417.
19. Haydari, Muhammad Sadiq; Yadullahpour, Muhammad Hadi; Hosseini, Zaynab al-Sadat; Basirat, Zahra, *Comparative Study of the Importance of Breast Milk from the Perspective of Quran and Medical Sciences*, *Islam and Health*, 1(3), pp.69-77, 2014.
20. Haydarinia, Mohsin, Shadman, Massoud, "Historical Study of the Social Status of Women in the Arabian Peninsula until the Year 600 AD", *Miskawayh Quarterly*, Vol. 27, 2013.
21. Hilli, Hassan bin Youssuf, *Kashf al-Murad fi Sharh Tajrid al-I'tqad*, Annotations: Seyyed Ibrahim Mousavizanjani, Scientific Institute, Qom: 1399 A.H.
22. Ibn Faris, Abu al-Hossein Ahmad, *Mu'jam Maqais al-Lughah*, Al-Islami Institute of Islamic Publishing Center, Beirut: 1420 A.H.
23. Ibn Manzoor, Muhammad bin Mukkaram, *Lisan al-Arab (The Language of Arabs)*, Dar Sadir, Beirut: 3rd Edition, 1414 A.H.
24. Ibn Nadeem, Muhammad bin Ishaq, *Al-Fihrist*, Dunyaye Kitab Publications, Tehran: 2011.
25. Ibn Qutaybah, Abdullah bin Muslim, *Poetry and Poets*, Research: Hassan Tamim, Dar Ihya al-Ulu,, Beirut: 5th Edition, 1414 AH.
26. Kahalah, Omar Reza, *The Declaration of Women: In the World of Arabs and Islam*, Al-Hashimi Publications, Damascus: 2000.
27. Ma'mouri, Ali; Khossokhan Muzaffar, Zahra, "Historical Investigation of the Position of Women in Jahiliyyah and the Quran according to the Verse of Zarb", *Research Journal of Sciences and Education of the Holy Quran*, Year 1, Number 6, Spring 2010.
28. Ma'rifat, Muhammad Hadi, *Abbrigment of Tamhid*, Publication of Tamhid Institute, Qom: 2001.
29. Misbah Yazdi, Muhammad Taqi, *Theological Instruction*, Publication of Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom: 2004.
30. Porjavadi, Nasrullah; Sharif, Mian Muhammad, *History of Philosophy in Islam*, Academic Publishing Center, Tehran: 2012.

31. Qara'ati, Mohsin, Tafsir Noor, The Cultural Center of Lessons from the Quran Press, Tehran: 1995.
32. Raghib Isfahani, Hossein bin Muhammad, Al-Mufradat fi Gharib al-Quran (Dictionary of Unpopular Arabic Words), Dar al-Ilm, Beirut: 1412 AH.
33. Rajab, Mustafa, Educational Miracle in the Holy Quran, Jidara lil Kutub al-A'lami for Publishing and Distribution, Oman: 2006.
34. Rajab, Mustafa, Researching the Quranic Educational Miracle, Al-Ilm and al-Iyman for Publication and Distribution, Desuq: 2nd Edition, 2009.
35. Rezaei Isfahani, Muhammad Ali, Miracles in Natural and Human Sciences, Al-Mustafa International University, Qom: 2013.
36. Rezaei Isfahani, Muhammad Ali, Reviewing the Educational Miracle of the Quran, Qom: Quran and Science Journal, Number 9, Fall and Winter 2013.
37. Sharif Razi, Muhammad bin Hossein, Nahj al-Balaghah, Translated by Muhammad Dashti, Al-Hadi Publications, Qom: 2002.
38. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 3rd Edition, Tehran: 2017.
39. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossein, Miracles of the Quran, Allamah Tabatabai Scientific and Intellectual Foundation, Qom: 1983.
40. Tha'alabi, Abd al-Rahman bin Muhammad, Javahir al-Hassan fi Tafsir al-Quran, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: 1418 A.H.
41. Turayhi, Fakhraddin bin Muhammad, *Majma' al-Bahrayn* (Mingle of Two Oceans), Islamic Culture Publications, Qom: 2008.
42. Tusi, Muhammad bin Hassan, al-Tibyan fi Tafsir al-Quran, Jamiah Mudarrasin, Qom, 1413 AH.
43. Ya'qubi, Ahmad bin Abu Ya'qub, Tarikh al-Ya'qubi, Dar Sader Publications, Beirut: 1425 A.H.
44. Yum, Bashir, Arab poets in Jahiliyyah and Islam, al-Maktabah al-Ahliyyah, Beirut: 1413 AH.
45. Zubaidi, Muhammad Murtaza, Taj al-Arus, Dar al-Fikr, Beirut: 1414 AH.
46. <https://en.wikipedia.org>